

## پدیدارشناسی مسجد در شهر اسلامی

حسین خسروی

چکیده

نگاهی به تاریخ ادیان نشان می‌دهد که تعدادی از فرقه‌های بودایی و مسیحی معبد‌ها و صومعه‌های خود را در دل کوه‌ها و اماکن دور از دسترس جامعه بنا می‌کنند، اما در دین اسلام مساجد در قلب اجتماع بنا می‌شود. مسجد در اسلام قلب تپنده‌ی حیات اسلام است. مجموعه‌های شهرسازی اسلامی همه وابسته به مسجد جامع بوده و مسجد که قلب جامعه است روزی پنج نوبت مسلمانان را از مجموعه‌ها و از اجزای شهر گرد می‌آورد و ایمان آنان را تازه‌تر می‌سازد و به جای خود باز می‌گرداند. سه نوع مسجد در شهر اسلامی احداث می‌شده است: مسجد جامع، مسجد محله و مسجد بازار. اساساً الگوی مکان شهرها تابع مسجد جامع است. بازارهای اسلامی به مسجد جامع متصل است و طرز ساخت بازارها تقریباً مشابه شبستان مسجد است و مردم از مسجد وارد بازار می‌شوند. از دیگر فضاهای اطراف مسجد حمام است، زیرا اسلام به پاکیزگی اهمیت خاصی می‌دهد.

از دیگر فضاهای همجوار با مسجد مدارس علوم دینی است. می‌توان گفت که هویت شهرسازی اسلامی در گذشته‌ای نه چندان دور به گونه‌ای از مساجد نشأت می‌گرفت. این هویت در ساختار این شهرها در گذشته کاملاً مشخص بود.

مقدمه

«شهر دینی را شهرسازان و معمارانی می‌توانند بسازند که به عالم‌دینی تعلق داشته باشند و با آن جا آشنا باشند شهر دینی با گشایش عالم دینی ساخته می‌شود و به عبارت دیگر در هوای و فضای عالم دینی است که شهر دینی در انداخته می‌شود»<sup>۱</sup>.

«دکتر فوریه» فرانسوی که در زمان ناصرالدین شاه به عنوان طبیب مخصوص شاه وارد ایران شده بود در سفرنامه‌ی خود نوشت:

«امروز پس از عبور از کاروانسرای کوشک نصرت، ابتدا فوری به سمت مغرب راندم بعد متوجه‌ی جنوب شدیم و دریاچه‌ی ساوه در این حالت طرف چپ ما قرار داشت، افسوس که در این نواحی قطره‌ای آب وجود ندارد و اگر هم تصادفاً چیزی از آن به دست آید شور و تلخ است. بعد از چهار ساعت حرکت وقتی با کالسکه به منظره رسیدیم، از پنج فرسنگی گنبد طلایی مسجد حرم حضرت معصومه علیها السلام در آفتاب می‌درخشد»<sup>۲</sup>.

جایگاه مسجد در شهرسازی اسلامی

با ورود اسلام به ایران، شهرسازی و شهرنشینی وارد مرحله‌ای تازه شد. در این دوره زندگی شهری شکل گرفته از دوره‌ی پیش از اسلام تغییر یافت. در دوره‌ی پس از ورود اسلام به ایران، قوانین اسلامی وارد زندگی شهرنشینان شد. این قوانین در روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع تأثیر به‌سزا داشت.

دستورات و قوانین فراگیر اسلام، در شکل‌گیری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی مؤثر بوده است؛ چنانکه تا قرن‌ها بیشتر فعالیت‌های شهرهای اسلامی بر مدار يك مسجد با موقعیت مرکزی انجام می‌گرفت و مساجد، بویژه مسجد جامع به شهرهای اسلامی

<sup>۱</sup> . داوری اردکانی، رضا، ملاحظاتی در باب طرح مدینه فصلنامه‌ی آبادی، سال ششم، شماره‌ی ۲۲، پائیز ۱۳۷۵: ص ۶ .

<sup>۲</sup> . صاحبی، محمد جواد، قم از نگاه بیگانگان، مجله‌ی پزشکی کوثر، شماره‌ی ۴ و ۵: ص ۱۴ .

چهره‌ای کاملاً مشخص می‌بخشید. این نقش کانونی (مسجد جامع و بازار با محله‌هایش) همواره منشأ تحرك‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام و نیز روابط نزدیک دانشمندان با طبقات متوسط شهری بوده است.

مورفولوژی شهرهای اسلامی همواره از اصول و قوانین اسلامی تأثیر پذیرفته است و شکل‌یابی شهری‌ها بعد از سال ۶۲ میلادی، که آیین حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه مطرح شد،

شروع می‌شود. گسترش قوانین اسلامی، بعد از مدتی برخوردهای کند. بدین‌سان قوانین اسلامی، هم در چارچوب طرح‌های شهری، مسکونی و ساختمانی است و هم با جانشین ساختن برادری اسلامی، در مورفولوژی شهری توازن ایجاد می‌کند.

ایدئولوژی اسلامی، هرگز سیستم کاست، طبقه‌گرایی، نژادگرایی و قوم‌گرایی را نپذیرفته است. در جامعه‌ی اسلامی، بروز مکتب‌های فکری در مدارس نظامیه یا مساجد (که بیشتر در مجاورت بازار فعالیت فلسفی علمی داشتند) به نحوی فرهنگ شهری را تحت تأثیر قرار داده است. این مکتب‌های مذهبی - فلسفی با نفوذ در فرهنگ شهری، احساسات و تعصبات وابستگی به قوم و قبیله و خاندان را بسیار تعدیل کرده است. در مساجد که محل عبادت مسلمان محسوب می‌شود همه‌ی مردم برابرند و هیچ نوع امتیازی از لحاظ طبقه، رنگ پوست و قوم بین مردم دیده نمی‌شود.

بعد از مسلمان شدن ساکنان نواحی مختلف جغرافیایی بر اثر ایدئولوژی اسلامی، يك جای‌گزینی کاملاً مشخص، بین زندگی عمومی و خصوصی مردم به وجود آمد، یعنی زندگی خصوصی خانواده‌ها به حریم استوار خانه یا مکان‌های محصور کشیده شد و از خیابان و کوچه (محل زندگی عمومی) قطع ارتباط پیدا کرد. از طرفی مناطق مسکونی شهرها به سوی مساجد و مدارس متمایل گشت. مکتب‌های فکری و فلسفی هر يك هوا دارانی پیدا کردند و غالباً در محله‌ی ویژه‌ای ساکن شدند. گاهی هم قبیله‌ها و گروه‌های قومی ساکن در شهرها هر يك از يك مکتب فکری اسلامی تبعیت می‌کردند. این گروه‌های قومی، از دانشمندان مکتب‌های اسلامی، فلسفه و قوامین اسلامی را فرا می‌گرفتند. این دانشمندان از امام‌جماعت، معلم، قاضی، مشاور و کارگزاران مساجد تشکیل می‌شدند. تنظیم آیین‌نامه‌ها و اصول رایج در بازارها از تصمیمات آنها منشأ می‌گرفت.<sup>۳</sup> به‌طور کلی در اوایل گسترش اسلام، از همه‌ی عواملی که ساخت داخلی و مورفولوژیک شهرهای اسلامی را تشکیل می‌داد، سه عامل مهم، یعنی محل حاکمان، مساجد جامع یا مناره‌ها و مأذنه‌ها و راسته بازار بسیار چشمگیر بود. (در قسمت‌های آتی توضیح داده شده است).

می‌دانیم که یلال در زمان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بر بلندترین بام‌های منازل اذان می‌گفت. این فکر که مؤذن در محل مرتفعی اذان بگوید مسلمانان را بر آن داشت تا برای او، جایگاه مخصوصی بسازند تا متصل یا نزدیک آن باشد.

دوران ظهور مأذنه در شهرسازی اسلامی به عصر اموی بر می‌گردد که در آغاز، شکل ساده‌ای داشت و بعد از مدتی اطراف آن، برج و دیوار و نرده‌ای کشیدند و بر روی آن سایه بانی قرار دادند. کم‌کم این فکر پیدا شد که هنگام مغرب، چراغی در مأذنه‌ها روشن کنند تا هم علامت فرا رسیدن وقت نماز باشد و هم مردم بدانند مسجد در چه نقطه‌ای از شهر قرار گرفته است.<sup>۴</sup>

در باره علت انتخاب شکل مناره، آرا و عقاید گوناگونی بیان شده است: الف) مأذنه‌هایی که در شهرهای ایران و هند دیده می‌شود به شکل برج‌هایی است که برای دیده‌بانی یا نگهبانی شهرها می‌ساختند.

ب) عده‌ای معتقدند بناهای مذهبی عربی از بناهای مذهبی ایرانیان تأثیر پذیرفته است از طرفی گلدسته‌های قرینه، تزیینات و کاشی‌کاری نیز از مختصات مناره‌های شهرسازی ایرانی است.

ج) مأذنه‌های اسلامی به سایه‌بان‌ها و بادگیرهایی که روی بام‌های منازل ساخته شده است، مشابهت دارد.<sup>۵</sup>

<sup>۳</sup> . شکونی، حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۱۸۵ - ۱۸۸ .

<sup>۴</sup> . شکونی، حسین، همان: ص ۱۸۹ - ۱۹۰ .

<sup>۵</sup> . فاضل، محمود، مأذنه‌ها، مجله‌ی هنر و مردم: شماره‌های ۷۷ و ۷۸ .

استقرار مسجد در بافت جوامع، به تغییر شکل کالبدی آنها منجر شد به تدریج سازمان‌های دینی نوین در شالوده‌ی زندگی جوامع نفوذ کرد. مسلمانان وظایف مذهبی خود را به جا می‌آوردند و روابط اجتماعی خویش را بر اساس قوانین اسلامی تنظیم و اجرا می‌کردند. بنابراین مسجد جای خود را در اجزای نظام اجتماعی باز کرد. همبستگی مذهبی، شکلی تازه به روابط موجود میان افراد ساکن در محلات داد. این همبستگی بین شهر و روستا نیز روابطی نو برقرار کرد. مفهوم منطقه‌ی شهری در این دوره متجلی شد، که عبارت بود از روابط متقابل بین شهر و روستا براساس مبادله‌ی مازاد تولید، کالاهای صنعتی، مروجان مذهبی و غیره بین یکدیگر و نفوذ شهر در روستاها و شهرهای کوچکتر اطراف در قرون اولیه اسلامی مسجد جامع به عنوان یکی از نشانه‌های تمایز شهر از روستا محسوب می‌شد.<sup>۶</sup>

در این دوره مجتمع‌های جمعیتی و مسکونی که دارای مسجد جامع و منبر بودند به عنوان شهر شناخته می‌شدند، که بعدها مساجد عمومیت پیدا کرد و در روستاها نیز احداث شد. مسجد در قالب سمبل دین اسلام که در همه‌ی جنبه‌های زندگی مسلمین نفوذ کرده بود، شناخته می‌شد. همچنین به لحاظ نقشی که مسجد در جامعه‌ی اسلامی در تجمع افراد و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مذهبی ایفا می‌کند، اهمیت فراوانی یافت. در دوره‌ی پس از ورود اسلام، مسجد جامع مرکز استقرار دینی شهری بود که به سبب مراجعه‌ی مستمر همه‌ی طبقات مردم شهر و به لحاظ خلوصی که می‌توانست بالقوه داشته باشد، نقطه‌ی پخش هرگونه آگاهی از شرایط عمومی شهروندان و نحوه‌ی زندگی و نظام اداری آنان محسوب می‌شد. در همین مکان نیز آگهی‌های پخش شده به بحث گذاشته می‌شدند و انعکاس آنها نیز در افکار عمومی، نقطه بازگشت خود را می‌یافت.

مسجد جامع بیشتر مرکز مذهبی محسوب می‌شد تا یک مرجع اجتماعی. اما شکل‌گیری افکار عمومی و جهت‌گیری اهداف مربوط به آینده در این مکان صورت گرفت به این لحاظ است که مسجد جامع در ایران و به‌ویژه در آن شهرها که بیشتر در معرض هجوم خارجیان و یا تصرف نیروی حکومت‌های منطقه‌ای بوده‌اند، بیشتر از هر چیز بنیادی اجتماعی است.<sup>۷</sup> در مسجد علاوه بر امور مذهبی، کارهای فرهنگی و تربیتی جامعه نیز انجام می‌شد، به عبارت دیگر قبل از پیدایی و تأسیس مدارس که به صورت مستقل به تدریس علوم در سطوح متوسطه و عالی پردازد، این نقش در جامعه‌ی اسلامی به عهده مسجد گذاشته شده بود. پس از محول شدن این نقش به مدارس جدید، مساجد به عنوان مراکز تبلیغی، فرهنگی، مذهبی و آموزش علوم و معارف اسلامی ادامه‌ی حیات دادند.

در شناخت سیمای داخلی سیمای خارجی شهرهای اسلامی می‌توان به نشانه‌هایی اشاره کرد که هم برای کاربری‌های شهری مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند و هم هدایت‌کننده‌ی مسافرانی بوده‌اند که نیاز به راهنمایی برای هدایت شدن به طرف مقصد داشته‌اند. مناره‌های مساجد در شهرهای اسلامی این نقش را به شایستگی ایفا می‌کردند.

در شناخت سیمای داخلی شهرهای ایرانی - اسلامی در درجه‌ی اول می‌توان سر در مساجد، خانه‌ها، آب انبارها و بازارها را مشاهده کرد.

کاشی‌کاری‌ها، قوس‌های تزئینی و هنرمندی‌هایی که در ساختن گنبد مساجد و یا در ساختمانهای خصوصی و عمومی به‌کار رفته، ویژگی‌های زیبایی شناسانه‌ی سیمای شهرها را به نمایش می‌گذارد.

نشانه‌ها از عوامل مهم در سیمای درونی شهرهای ایرانی - اسلامی است. این عامل در شکل مناره‌ها، سردر و گنبد مساجد، سقف آب انبارها و یا قلعه‌ها که در بلندی ساخته می‌شدند در خور رؤیت است.

سه عامل عمده در ساخت شهرهای اسلامی خود نمایی می‌کند:

۱ - ارگ و بارو: ارگ مجموعه‌ای از ساختمان‌ها بوده که تشکیلات و سازمان حکومتی شهر را در خود جای می‌داد و همچنین مقر سلطان یا حاکم بوده است. در مرکز شهر داخلی محصور در دیوار، بازارها و مسجد جمعه قرار داشته که ارگ بر این دو مسلط بوده است.

در شهر، علاوه بر ارگ باروها و دیوارهای محافظت‌کننده نیز احداث می‌شد.

۲ - مسجد جامع و فضاهای مذهبی و آموزشی: یکی از عوامل سه‌گانه در شهرهای اسلامی مسجد جامع است. مسجد جامع، گاه به‌عنوان مقر حکومت، پیوند دهنده‌ی مذهب با حکومت

<sup>۶</sup> . اشرف، احمد، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران، در نامه‌ی علوم اجتماعی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴، تیرماه ۱۳۵۴.

<sup>۷</sup> . مشهدی‌زاده، ناصر، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۴: ص ۱۹۲.

بوده است، مانند مساجدی که دارالاماره بوده‌اند، یا ارگ تبریز که به‌صورت مسجد ساخته شد، ولی مدتی بعد در قالب مرکز حکومت ایفای نقش می‌کرد. مسجد جامع بعنوان الهی و مذهبی مدافع مردم و توده‌ی ملت در مقابل حاکمین ستمگر بوده و نقش هماهنگ کننده‌ی مبارزاتی بر ضد آنان را بر عهده داشته است.

تحولات مهم مسجد در شهر اسلامی را می‌توان در مراحل زیر مشاهده کرد:

در مرحله‌ی اول که مربوط به ابتدای ظهور اسلام می‌شود، مسجد صورتی ساده داشت. الگوی آن مسجدالنبی در مدینه است. این مسجد مکانی است که در حیاط آن دستورات به اطلاع امت رسانیده می‌شود. مسجد مکانی است که محل استقرار دولت اسلامی نیز هست. در شهرهای تسخیر شده این مسجد یا در مکان معابد قدیمی مستقر می‌گردد و یا بنائی ساده است که در کنار میدان اصلی شهر برپا می‌گردد. در کنار «آگورا» یونانی، در کنار «فورم» رومی، در جوار «میدان» شار پارسی، همه جا در پر آمد و شدترین نقطه شهر برپا می‌گردد. در این مرحله مسجد فقط دگرگونی عمده‌ای است که در سازمان فضائی - کالبدی شهر اسلامی شده رخ می‌دهد. چهره‌ی شهر عمدتاً همانی است که از قبل بوده داشته است.<sup>۸</sup>

در مرحله‌ی دوم، یعنی در عهد بنی‌امیه، مسجد و قدرت امپراتوری هم‌بستگی نزدیکی پیدا کردند. بین مسجد و دارالاماره فاصله‌ی اندکی دیده می‌شود از بسیاری موارد از طریق ارتباطی سر پوشیده دو بنا به یکدیگر مرتبط می‌شدند.

استقرار مسجد جامع معمولاً در ارتباط مستقیم با شارع عام و بازار نیز بررسی می‌شود.

نخستین حرکت‌های عمده برای دگرگونی بافت کالبدی و سازمان فضائی شهر، بر حسب موقعیت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی آن آغاز می‌شود.

در مرحله‌ی سوم یعنی در زمان خلافت عباسیان و در حین شکل‌گیری امپراتوری اسلامی به تدریج مسجد و قدرت سیاسی حکومت از یکدیگر جدا شدند. مسجد جامع به عنوان مکان اصلی اجتماعات مردمی به‌کلی خود را از حکومت جدا می‌کند.<sup>۹</sup> و از صورت ساده و بی‌پیرایه‌ی دوره‌ی اول و تا حدودی دوره‌ی دوم خارج می‌شود، در این زمان هنوز شهر جایی است که مسجد جامع در آن احداث شده باشد و در هر مکانی تا زمانی که مسجد جامع نباشد، علی‌رغم انبوهی جمعیت و تمرکز فضائی مکان، شهر نامیده نمی‌شود.

در مرحله‌ی چهارم که از قرن ششم آغاز شد، در شکل و توزیع مساجد دگرگونی‌های بنیادی داده شد. مسجد جامع و دیگر مساجد، پیش از آن که محلی برای عبادت باشند، مکانی جهت خودنمایی حکومت‌ها می‌گردند. ظاهر پر شکوه و معماری‌های به یادماندنی در ساخت مساجد نقش اساسی می‌یابند. به تبع این دگرگونی‌ها شهر نیز دچار تغییرات عمده می‌گردد. محلات بر مبنای جدائی قومی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و غیره برپا می‌گردند، هر محله مسجد خاص خویش را دارد.

تشکیل دولت اسلامی در این دوره و جدائی وظایف و آرمان‌های مذهبی از اهداف سیاسی، شکل‌گیری محلات در خود، بیگانه از یکدیگر و همراه با روستاهای هم‌کیش، هم‌فرقه، هم‌نژاد و جز آن سبب می‌گردد تا ملاک تعیین شهر براساس داشتن مسجد جامع از بین برود. به بیان دیگر در این دوره هر شهر می‌باید مسجد جامع داشته باشد، ولی هر جا که مسجد جامع داشت مقام و موقع شهری پیدا نمی‌کرد.<sup>۱۰</sup>

در دوره‌ی دوم و سوم مساجد مهم‌ترین وجه تمایز شهر از روستا هستند و مسجد جامع مشخص کننده‌ی موقعیت شهری در اجتماعات اسلامی به‌شمار می‌آید.

مسجد در شهر به عنوان مهمترین بنای عمومی تلقی شود و در تفکرات مربوط به شهرسازی اسلامی نقش عامل زیر بنایی را ایفا می‌کند. گاه نیز مساجد در شهرها طراحی‌های دیگر را مشروط به موقعیت خود می‌کرده‌اند.

اخذ این موقعیت مربوط به زمانی است که مساجد همراه با قسمت‌های دیگر يك شهر یا يك قسمت آن طراحی و ساخته می‌شدند. چرا که مساجد ایران را می‌توان از نظر طریقه‌ی جایگزینی آنها در بافت شهری به دو رده‌ی بزرگ تقسیم کرد:

نخست مساجدی که شکل‌گیری آنها در بستر کالبدی شهرها به تدریج در طی زمان صورت گرفته و تحت تأثیر عوامل مذهبی و اجتماعی، اقتصادی و شهرسازی تغییر شکل یافته است.

دوم مساجدی که با طرح قبلی و گسسته از بافت کالبدی مجاور، يك‌بار برای همیشه فضای آن تعیین و تثبیت گردیده است.

قبول مساجد بعنوان فضایی مهم در شهر به هنگامی است که پذیرش دین اسلام توسط مردم به صورت قلبی و ارادی صورت می‌گرفت و به عنوان محل انجام امور مذهبی و در کنار آن

<sup>۸</sup> . حیبی، سیدمحسن، از شار تا شهر، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸: ص ۴۳ .

<sup>۹</sup> . یعقوبی، البلدان، ترجمه‌ی محمدابراهیم آیتی، سیما بغداد.

<sup>۱۰</sup> . قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، تصحیح و تشحیح جلال‌الدین تهرانی، توسن، تهران، ۱۳۶۱ .

فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی انتخاب شد. به دیگر سخن در میان اندام‌های درون شهری هر شهر و روستا، نیایشگاه همواره جای ویژه خود را داشته و دارد و از اندام‌های دیگر نمایان‌تر و چشم‌گیرتر است.

مسجد جامع به عنوان مهم‌ترین نقطه‌ی عطف، بیشترین جاذبه را دارا بوده است؛ چرا که در ارتباط فضایی متقابل با بازار قرار داشته است. گاه نیز مسجد جامع یا مساجد دیگر در طول اندام بازار جای می‌گرفتند؛ یعنی آمیخته با کالبد واحدهای معماری - شهرسازی آن این اتصال به بدنه‌ی بازار به سبب دارا بودن قدرت مذهبی مسجد جامع بوده است؛ مانند تهران، اصفهان، تبریز، سمنان، قم و غیره بافت‌های مسکونی پشت یا اطراف بازار نیز از راه ورودی‌های متعدد مسجد جامع و یا در مسیر ارتباطی با درب مسجد به بازار راه پیدا می‌کرده است؛ نظیر موقعیت مسجد حکیم اصفهان، گاهی نیز مسجد در محل تقاطع چند راسته بازار یا امتداد مسیر بازار قرار داشته است.

بنابراین در شهرهای ایرانی مسجد جامع از يك سو در رابطه‌ی مستقیم با بافت مسکونی قرار داشته، از سوی دیگر در ارتباط با بافت تجاری - بازرگانی و خدماتی بوده است. گاه نیز در ارتباط و یا در تقابل با مرکز حکومتی ایفای نقش می‌کرده است. در شهرها مساجد را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

مسجد جامع، مسجد متوسط، مساجد کوچکی که برای عبادت احداث شده بودند. مساجد مذهبی - آموزشی. پس مساجد علاوه بر نقش مذهبی، اجتماعی و سیاسی، تا قبل از احداث مدارس مستقل به ایفای نقش آموزشی نیز می‌پرداخته‌اند. در مساجدی که مرکز آموزشی نیز بوده‌اند، از تعلیمات ابتدایی تا پیچیده‌ترین مسائل فلسفی تدریس می‌گردیده است.

۲ - بازارها: بازارها در توسعه و گسترش شهر ایرانی - اسلامی نقشی مهم برعهده داشته‌اند، به نحوی که در شهرهای تازه‌ای که ساخته می‌شد، بازار ابتدا در ارتباط فضایی با مسجد جامع و مقر حکومتی بنا می‌شد. می‌توان چنین گفت که دو عامل بازار و مسجد همواره در فرهنگ شهرهای اسلامی، نقشی مهم داشتند، به طوری که هنگام احداث يك شهر اسلامی، محل حکومت، مسجد جامع و يك میدان مرکزی با هم و وابسته به هم ساخته می‌شد و بازار و میدان از عوامل مهم تشکیل دهنده‌ای مورفولوژی شهری به‌شمار می‌آمد.

به‌طور کلی کیفیت عمومی شهرسازی، شیوه‌ی ترکیب و طراحی سازمان فضایی کارکردهای زندگی انسان در شهرها، از همان آغاز با توجه به جهان‌بینی حکومت اسلامی و آگاهانه بر محور بنیاد سه کارکرد اصلی یعنی مسجد (یا جامع یا حوزه علمیه)، ساختمان‌های دستگاه اجرایی حکومت و بازار به ترتیب برای اجرای ضرورت‌های دینی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در شهرها و حوزه‌های تابعه روستایی آنها، می‌چرخید.

ساختمان مسجد برای برپاداشتن جمعی، مهم‌ترین وظیفه‌ی دینی، یعنی ادای نماز جماعت و حتی وظایف عبادت و اعمال مباح و محل اجتماع و موعظه و ارشاد و ابلاغ دستورات الهی بود.<sup>۱۱</sup> به این ترتیب مسجد در قالب نخستین پدیده‌ی جغرافیایی برخاسته از اندیشه اسلامی به عنوان يك کانون عبادی - سیاسی در سطح جهان گسترش یافت و با نقش‌های عمده‌ای که ایفا کرد، خمیرمایه‌ی تغییرات نهادی در ساختار اجتماع و اصول اداری - سیاسی در سرزمین‌های اسلامی گردید. هماهنگ با رشد و توسعه‌ی سرزمین‌های اسلامی، مساجد به صورت‌های گوناگون در نقاط مختلف ظاهر گشت و به صورت شبکه‌ی سازمان یافته‌ای در سطح شهر شکل گرفت. مسجد فقط فضائی ویژه برای عبادت نبوده است، بل علاوه بر جلسه‌های وعظ و ارشاد مسلمین، مجالس درس و بحث نیز در آن تشکیل می‌شده است. حتی پس از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری که فضای مدرسه به صورت جدا و متمایز از مسجد پدید آمد. علاوه بر این اغلب مساجد سنگر مبارزه اجتماعی مردم بر ضد حکام ظالم و کانون تجمع مردم در هنگام خوف و اضطراب بوده است.

مسجد جامع در شهرهای اسلامی همواره قلب و مرکز شهر جای داشته و دارد، یا چند سوی آن بازار امتداد می‌یافت و در پیرامون آن مؤسسات اجتماعی همچون دارالحکومه، کاروانسرا، میهمانخانه‌هایی برای مسافران، محل‌هایی برای فقر او بینوایان، دارالشفاء، خانقاه، آب انبار، حمام و مدارس قرار داشتند و سپس فضای حسینی و تکایا که مربوط به دوره‌ی صفویه می‌شود به آن اضافه شدند.

افزایش جمعیت شهرها و تغییرات ویژگی‌های اجتماعی آن در طول تاریخ به تدریج باعث افزایش تعداد مساجد در تمام شهرها شد به طوری که امروز اکثر شهرها مساجد متعددی دارند. در حال حاضر بیش از پانزده هزار مسجد در شهرهای ایران وجود دارد.<sup>۱۲</sup> در پنجاه سال گذشته، با توسعه‌ی علم و فناوری، دگرگونی در اقتصاد، نگرش‌های سیاسی و پویایی فرهنگ‌ها در برنامه‌ریزی شهری کشورهای اسلامی مؤثر بوده است و در بیشتر موارد، برنامه‌ریزی

<sup>۱۱</sup> . مؤمنی، مصطفی، نظری بر شهرشناسی جغرافیایی شهرهای ایرانی - اسلامی، نمایه پژوهش شماره‌ی ۹ و ۱۰، ۱۳۷۷: ص ۲۷.

<sup>۱۲</sup> . نظریان، اصغر، جغرافیای شهری ایران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۷: ص ۲۶.

و نوسازی شهرها تحت تأثیر فرهنگ غربی، ساخت و بافت تازه‌ای به شهرهای اسلامی بخشیده که تا نیم قرن پیش سابقه نداشته است. این عملکردها بر اثر مداخله برنامه‌ریزان، معماران و شهرسازانی صورت گرفته است که در غرب آموزش دیده‌اند و در برنامه‌ریزی شهرهای اسلامی یا از الگوهای غربی تبعیت می‌کنند، یا الگوها و معیارهای ویژه‌ی فرهنگ و جامعه‌ی پر درآمد دیگری را به کار می‌گیرند.

در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی، بدون در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و حتی اقلیمی، عوامل مهم شهرهای اسلامی را تخریب می‌کنند، در حالی که برخی از کارشناسان اروپایی معتقدند در سال‌های آینده، مناسب‌ترین طرح برای مرکزی شهرهای اسلامی همان طرحی است که از قرن‌ها پیش، بخش مرکزی شهرهای اسلامی را رونق داده و سامان بخشیده است. بدین‌سان، شهر اسلامی به جزیره‌ای می‌ماند که پیرامون بخش مرکزی آن را پیاده‌روها احاطه کرده است.

ملاحظه می‌شود که در گذشته، شرایط اقلیمی، اعتقادات مذهبی (نمونه بارز آن مسجد) - اجتماعی، و سنت‌های محلی، شهرهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داده بود، در صورتی که در سال‌های اخیر در کشورهای نفت‌خیز منطقه به سبب تأمین ثروت‌های کلان از راه فروش نفت، مورفلوژی بسیاری از شهرهای اسلامی به کلی دگرگون شده و تحت تأثیر اقتصاد خدماتی شکل گرفته است.<sup>۱۳</sup>

---

<sup>13</sup> . شکونی، حسین، همان: ص ۱۹۴ و ۱۹۵ .